



۲۰۱۷/۰۲/۲۱



ع. حضرت

## سخنی چند در مورد "دلیل این تغییر چیست؟"

### قسمت اول

جناب آقای سید هاشم سدید یک بحثی را مطرح نموده زیر عنوان "دلیل این تغییر چیست". بنده قبل از این که علاقه مند به ادامه مشاهده بحث مذکور توسط هموطنان عزیزم باشم، علاقه مند این امر بودم و هستم که بدانم که "دلیل مطرح ساختن این بحث چیست؟". عرض شود که بحث در مورد موضوع فوق، مقتضی داشتن معلومات و تخصص بالائی می باشد که بنده فاقد آنم، با این حال فقط در حیطه دانستنی هایم به نکاتی چند اشاره می کنم. نوشته جناب آقای سدید دارای سه بخش مجزا می باشد البته نه از نظر شکل بلکه از نظر محتوی.

- بخش اول اظهار نظر ایشان دارای جنبه هیجانی! می باشد که یعنی می خواهد خواننده را در دنیای هیجانی (صدر علمی و اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام) سیر و سیاحت داده باشد.
- بخش دوام اظهارات ایشان راجع به علل و دلایل سقوط این جایگاه والا اختصاص داده شده.
- و بخش سومش که به نظر بنده زیاد مورد توجه قرار گرفت این نکته است که: "قابل توجه آنانی که می گویند عیب در مسلمانی نیست، به قول علماء، قرآن چون دارای هفتاد پوست است لذا صعب التفهیم پنداشته می شود!" البته قریب به مضمون.

سوء ظن یک امر مذموم و ناروا می باشد و من نیز تبارز سوء ظن نمی کنم اما حدس می زنم که این نکته جناب آقای سدید دارای یک پیام بسیار پیچیده و مرموز و حتی یک نوع یأس افشانی تلقی می گردد که در لابلای عرایض به آن خواهم پرداخت.

مطرح نمودن و پی گیری این بحث (بحثی که سدید صاحب مطرح نموده) مستلزم این امر نیز می باشد که خوانندگان و نظر دهندگان آن باید حد اقل یک وابستگی فکری و عقیدوی نسبت به دین اسلام و فرهنگ اسلامی داشته باشند، و نه برای یک لیبرالیست و یک مارکسیست و یک لائیک اصلاً دوران درخشان یا غیر درخشان اسلام و غیر اسلام جالب نیست و چه بسا آنها مذهب بخصوص اسلام را مانع و سد پیشرفت و سد پیروزی ایدئولوژی های مترقی! می پندارند.

من همیشه در درون خود بر این ادعای مارکسیست ها بخصوص مارکسیست های منطقه خود ما سخت خندیده ام که گویا آنها علت عدم پیروزی (رسوایی ایدئولوژیک) خویش را وجود مذهب و سوء استفاده مذهب توسط پایگاه سرمایه داری (امپریالیزم) می دانند. عجب ادعای بچه گانه.

مگر قرار نبود که ایدئولوژی مترقی تمام موانع سر راه خود را بردارد؟

مارکسیست ها تا بحال به این سؤال پاسخ نداده اند که اگر یک مذهب و پیروانش مزدور امپریالیزم محسوب گردند پس پایگاه مارکسیستی ای که ادعای پشتیبانی اکثریت عوام دارد و مجهز به ایدیولوژی مترقی! و انسانی! نیز می باشد (یعنی بود) نتوانسته علیه یک مزدور کوچک امپریالیزم فائق آید چطور می توانست علیه خود بادار و پایگاه نیرومندش فائق آید، به فرض اینکه اصلاً به نام مذهب و دین چیزی وجود نمی داشت مطمئناً باز هم مارکسیزم به پیروزی نمی رسید، البته ازین واقعیت بگذریم که مذهب مخلوق و مولود امپریالیزم نیست بلکه مارکسیزم خودش مخلوق و مولود امپریالیزم و استعمار می باشد که برای تحقق یک سلسله اهداف دوردست ایجاد شده بود که با تحقق آن اهداف، مأموریت مارکسیزم نیز به پایان رسید که البته در میدان تبلیغاتی هنوز هم آگاهانه یا غیر آگاهانه در خدمت آنانی قرار دارند که تا دیروز مدعی مبارزه با آنها بودند.

و اما در مورد دوران درخشان یا غیر درخشان اسلام عرض کنم که دست آورد های امروزی بشر حاصل تلاش مشترک بشریت می باشد و اینکه یک زمان مسلمان ها دارای یک تمدن درخشان بودند بر می گردد به بعضی دلایل و علل گوناگون.

سؤال اینجاست که پیشرفت همه جانبه امروزی بشر (البته در بعضی زمینه ها پس رفت هم داشته) آیا مدیون یک مذهب یا کشور یک نژاد یک مکتب فکری خاص است یا نه پیشرفت بشر محصول اراده و تلاش تمام بشریت می باشد.

همان گونه که پروسه تکوین بشر این نکته بدیهی را در ذهن تداعی می کند که بشر به اراده خویش خلق نشده بلکه محصول اراده طبیعت یا نیروی خردمند یا خدا یا هر چه که نامیده شود، می باشد بنا بر این به نظر می رسد که همین نیروی خردمند در ایجاد ذهنیت پیشرفت و همچنان ایجاد شرایط و امکانات مقتضی نیز بشر را یاری نموده.

بشر، برخلاف خالق، کوچک ترین شیئی را خلق نکرده بلکه فقط کشف نموده، چیزهائی که قبلاً و حتی شاید پیش از خلق بشر در دامن و شکم این گره خاکی قرار داده شده یا قرار گرفته بود و بشر درین طول سن هزاران یا میلیون ها سال (که متأسفانه تذکره اصلی اش درین خاک بادهای فلسفی و عقیدوی و علمی گم شده، که البته برای تشخیص هویتش همین یک عکس ساده هم کفایت می کند) نظر به موقعیت های گوناگونش آهسته آهسته موفق به کشفیات و اختراعات (از تیز نمودن سنگ، جهت دفاع و شکار گرفته تا تیز نمودن نوک پوز فانتون و میراژ و میگ و تورنادو و ایف های امروز) گردید.

بشر برخلاف حیوان، در پهلوی داشتن حس کنجکاو و حس کشف و حس تملک، دارای حواس پیچیده دیگری نیز می باشد که این حواس پیچیده بعضاً دچار گمراهی شده، بعضی اوقات هدف را قربانی وسیله می سازد و بعضی اوقات وسیله را قربانی هدف می سازد در پهلوی این، بشر به یک سلسله باور ها و گرایش های متافیزیکی نیز گرویده که این گرایش ها بعداً بر چندین شاخه و بعضاً متخاصم تقسیم گردید.

در ارتباط با ادعای فوق (همراهی طبیعت یا خدا با تصمیم و تلاش بشر) عرض شود که اگر همین امروز چند تا آدم های کنجکاو و ماجراجو و یا شوقی و آماتور با دقتاً همان شرایط کریستوف کولمب، یک کشتی بسازند و دقیقاً با همان فورم و همان کیفیت چند صد سال پیش و دقیقاً از همان نقطه آغازین که کولمب سوار شد و دقیقاً همان مسیر را تا قاره امریکا طی کنند، یقیناً که صد مرتبه هم این تلاش شان به جایی نخواهد رسید و کشتی شان غرق خواهد شد. یا مثلاً هزار و چهار صد سال پیش، قرآن به مردم زمانش گفته که خر و شتر و اسب برای سواری و رکاب شما

آدمی ها خلق شده، و یک روزی وسائط دیگر ابداع) خواهند شد که شما از آن آگاهی ندارید. یقیناً این وسائط همان چرخ موتوری می باشد که در عصر ما اختراع گردید.

منظور بنده از این بحث، تبلیغ اسلام نیست بلکه منظورم ارائه یک بحث منصفانه می باشد.

بعد از وقوع انقلاب صنعتی و بعد از کسب بعضی دست آورد های به اصطلاح دموکراتیکی و لبرالیستی و بعد از سیر سیاحت در دهلیز های توفیق روشن ساختن چراغ های علمی - تکنولوژیکی، بخشی از ساکنین این گره خویش را بی نیاز از داشتن عقاید متافیزیکی احساس نمودند، بخصوص این ذهنیت بر مارکسیزم و مارکسیست ها سایه سنگینی انداخت تا جایی که کارل مارکس خان گفت که مذهب تریاک توده ها محسوب می شود.

این مردک اگر امروز زنده می بود با مشاهده وضعیت امروزی حتماً اعتراف می نمود:

با احساس دردهای جان فرسا که ناشی از ورود ضربات مارکسیزم و حریفانش بر پیکر نحیف مردم منطقه شرق میانه منجمله کشور عزیز ما، به خاطر تسکین عمیق، باید به تریاک پناه برد.

خلاف توقع آزاد اندیشان و بی نیازان، مذهب در اوج تمدن و پیشرفت علمی امروزی، جایگاه خاصی کمائی نموده، البته این بحث مورد نظر نیست که آیا این جایگاه یک حالت طبیعی دارد یا غیر طبیعی و مصلحتی، اما این نکته را باید از نظر دور نداشت که امروز در پیشرفته ترین جوامع، مذهب یکی از عناصر مهم تنظیم ستراتیژی های بزرگ به شمار می رود، هر چند یک آقای لیبرال و سکولار و آزاده! منکر این واقعیت باشد، البته جایگاه مذهب در جوامع دیگر منظر دیگری دارد که مورد بحث نیست اما ادامه بحث،

بقیه در قسمت دوم تقدیم می شود

ادامه دارد